

تحلیل موقعیت مؤلفه‌های مدیریت دانش در سازمان جهاد کشاورزی استان مازندران

ياسر فیض آبادی^۱ و نیلوفر مولایی^۲

۱- استادیار گروه اقتصاد کشاورزی، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران
 ۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم‌شهر

چکیده

برای این که سازمان‌ها بتوانند کارایی لازم را داشته باشند، باید حول محور علم و دانش فعالیت کنند. دانش به عنوان منبعی برای بقای سازمان‌ها به‌شمار می‌آید و شرط موفقیت سازمان‌ها دستیابی به دانش جدید در همه‌ی سطوح و حرکت به سمت سازمانی دانش بنیان است. هدف این پژوهش نیز بررسی وضعیت فرایند مدیریت دانش کشاورزی و رتبه‌بندی مؤلفه‌های آن (تولید دانش، ذخیره و بازیابی دانش، انتقال و تسهیم دانش، کاربرد دانش) در سازمان جهاد کشاورزی استان مازندران است. این پژوهش از نظر نوع جزو تحقیقات کاربردی و از نظر روش جزء تحقیقات توصیفی- تحلیلی است. جامعه‌ی آماری پژوهش همه‌ی مدیران و کارشناسان جهاد کشاورزی استان مازندران در بخش‌های مختلف شامل زراعت و باغبانی، دام و طیور، کرم ابریشم و زنبور عسل، شیلات و آبزیان و جنگل و مرتع به‌شمار ۶۵ تن می‌باشد. در آغاز، اطلاعات مربوط به مؤلفه‌های چهارگانه مدیریت دانش کشاورزی با استفاده از پرسش‌نامه‌ای با بیناب پنج‌بخشی لیکرت گردآوری و آن‌گاه وجود تفاوت در فرآیند مدیریت دانش کشاورزی بین چهار زیربخش اصلی سازمان با استفاده از آزمون کروسکال والیس مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان دادند که تفاوت معنی‌داری در میانگین فرایند مدیریت دانش کشاورزی بین سه زیربخش زراعت و باغبانی، دام و طیور، کرم ابریشم و زنبور عسل و جنگل و مرتع وجود دارد ولی زیربخش شیلات و آبزیان تفاوت معنی‌داری با دیگر بخش‌ها ندارد. به‌منظور اولویت‌بندی مؤلفه‌های مدیریت دانش کشاورزی از روش تاپسیس استفاده شد و یافته‌ها نشان دادند که در فرآیند مدیریت دانش کشاورزی هرچه سازمان جهاد کشاورزی از حلقه تولید دانش به سمت کاربرد آن پیش رفته است این فرآیند ضعیف‌تر عمل کرده است. از این‌رو، پیشنهادهایی برای درونی کردن سودمندی‌های ناشی از تولید دانش در سازمان جهاد کشاورزی استان ارائه شده است.

نمایه واژگان: مدیریت دانش، تولید دانش، ذخیره و بازیابی دانش، انتقال و تسهیم دانش، کاربرد دانش.

نویسنده مسئول: یاسر فیض آبادی

رایانامه: yaser.feizabadi@qaemiau.ac.ir

پذیرش: ۹۶/۱۲/۰۸

دریافت: ۹۶/۰۱/۰۶

مقدمه

قرار می‌دهد. علت بی‌توجهی بسیاری از سازمان‌ها نسبت به مدیریت دانش، درک متفاوتی است که از این مقوله در سازمان‌ها وجود دارد. برای اجرای مدیریت دانش به یک بازه زمانی به نسبت درازمدت، فراهم‌سازی بسترهای فکری و فرهنگی، مهارتی و آموزشی، کانون‌های دانشی و فراهم آوردن بسترهای فناورانه نیاز است (وظیفه دوست و همکاران، ۱۳۹۳). مدیریت دانش، نگرشی است که می‌تواند از سوی مدیریت سازمان‌ها با کمی انعطاف‌پذیری پیاده‌سازی شود و رقابت‌پذیری در آینده، پیشرو بودن در محصول و خدمات جدید، فتح بازارهای جدید و خلق بازارهای نو و از دست ندادن سرمایه‌های دانشی را به ارمان بیاورد. مبحث مدیریت دانش یکی از مباحث نو ظهور در مدیریت است که به شدت مورد اقبال و توجه دانشمندان علم سازمان و مدیریت واقع شده و مهم‌ترین رکن مدیریت دانش، پیاده‌سازی و اثر بخشی آن می‌باشد، که شناخت مدیریت دانش به عنوان یک روح حاکم بر اعمال سازمانی برای پیاده‌سازی آن ضروری است (قهرمانی و همکاران، ۱۳۹۰).

مدیریت دانش در رشته‌های مختلف تعریف گوناگونی دارد. گوپتا و گارین داراجان (۲۰۰۰) بر این باورند، مدیریت دانش فرآیندی است که در شناخت، انتخاب، سازماندهی، اشاعه و انتقال اطلاعات و مهارت‌های فردی موجود در بافت سازمان‌ها به صورت غیر ساختاری و بالقوه به آن‌ها کمک کرده و منجر به حل شدن مناسب و کارآمد مسائل، یادگیری پیوسته و تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها به قصد اشتراک و استفاده دوباره دانش جدید را به ارمان می‌آورد. در تعریفی دیگر توربن و همکاران (۲۰۰۷) مدیریت دانش را یافتن راهی برای خلق، شناسایی، تسخیر، اشتراک و توزیع دانش سازمانی به افراد مورد نیاز در سازمان معرفی کرده‌اند. به‌باور سالو (۲۰۰۹) مدیریت دانش به‌عنوان یک فرآیند، به‌طور موثر از شایستگی‌ها، تجارب، تخصص‌ها، مهارت‌ها، استعدادها، افکار، دیدگاه‌ها، اعمال و تصورات افراد و ادغام آن‌ها در منابع اطلاعاتی سازمان برای رسیدن به هدف‌های خود استفاده می‌کند. لوپز و همکاران (۲۰۰۹) مدیریت دانش را به عنوان مجموعه فرآیندهایی در نظر

رهبران تجارت جهانی به صورت فزاینده بر این دیدگاه باور دارند که دانش سرمایه‌های انسانی از مهم‌ترین قابلیت‌ها و شایستگی‌های سازمانی است و با طراحی و سازماندهی فرایند مدیریت آن می‌توان بستری برای ایجاد رقابت و توسعه پایدار فراهم کرد، چرا که در اقتصاد کنونی، دانش مهم‌ترین عامل تولید به شمار می‌رود و از آن به منزله مهم‌ترین مزیت رقابتی و راهبردی سازمان‌ها نام برده می‌شود (هو و همکاران، ۲۰۰۹). از این رو شرکت‌های موفق جهان، مدیریت دانش سازمانی را یک نیاز ضروری و برنامه اولویت دار برای پیشگامی در عرصه رقابت‌پذیری دانسته و در کانون توجه قرار داده‌اند. به گفته پیتر دراگر، راز موفقیت سازمان‌ها در سده ۲۱ همان مدیریت دانش است (جلالی حقیقت و فدایی، ۱۳۹۴). دانش مفهومی فراتر از داده و اطلاعات است. داده به اعداد و پاسخ‌هایی گفته می‌شود که به تنهایی دارای مفهوم کاربردی برای سازمان نیستند. اطلاعات به صورت پیام و تفسیر قابل انتقال است. اطلاعات به مجموعه مرتبط از داده‌ها گفته می‌شود که به صورت یک پیام هستند. اطلاعات به‌طور معمول مبنای تصمیم‌گیری‌ها در سازمان است. دانش به مجموعه اطلاعات سازماندهی شده، راهکار عملی مرتبط با آن، نتایج به‌کارگیری آن در تصمیم‌گیری‌های مختلف و آموزش مرتبط با آن، گفته می‌شود. گاهی به اشتباه مدیریت دانش و مدیریت اطلاعات یکی تلقی می‌شوند، حال آنکه این دو یکی نیستند. مدیریت اطلاعات به طور مشخص بر داده‌های پردازش شده تمرکز دارد (قربانی، ۱۳۸۸). دانش زیر بنای مهارت، تجربه و تخصص هر فرد است. امروزه سرمایه‌های یک سازمان تنها سرمایه مالی و فیزیکی آن نیستند، بلکه سرمایه دانشی مهم‌تر از این دو سرمایه، مورد توجه است. مدیریت دانش در یک سازمان، متشکل از راهبردها و فرایندهایی است که می‌توانند نیازهای دانش کل سازمان، کارکنان و خریداران را برآورده سازند. برخی دیگر نیز مدیریت دانش را فرایند گسترده‌ای می‌دانند که امر شناسایی، سازماندهی، انتقال و استفاده صحیح از اطلاعات و تجربیات داخلی سازمانی را مورد توجه

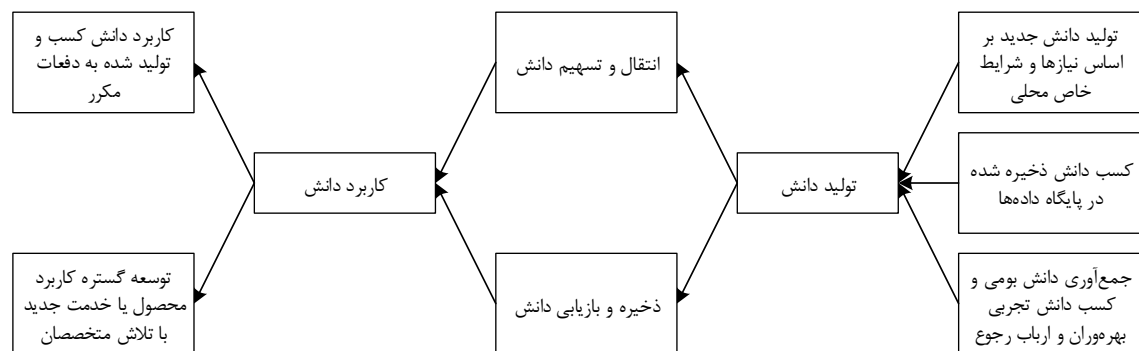
یافته‌های به‌دست آمده از طریق ذخیره در قالب گزارش‌ها، مقاله‌ها، نشریه‌ها و کتاب‌های علمی هم‌چنین فیلم و سی دی نگهداری و منتشر می‌شود (ذخیره و بازیابی دانش). دانش تولیدی، پس از ذخیره‌سازی و نگهداری به روش‌های گوناگونی مانند برگزاری کلاس، نمایشگاه‌های تخصصی، کارگاه‌های آموزشی، ویدئو کنفرانس‌ها، برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی و حتی شبکه‌های مجازی به کشاورزان منتقل می‌شود (انتقال و تسهیم دانش). مروجان در فرایند مدیریت دانش به عنوان حلقه ارتباطی بین بخش تحقیقات و کاربران ایفای نقش می‌کنند که از یک سو یافته‌های تحقیقاتی نوین را به صورت مستقیم و چهره به چهره به کشاورزان انتقال داده و از سوی دیگر مسائل و ابهام‌های عملی بخش کشاورزی را به محققان این حلقه انتقال می‌دهند. مرکز آموزش‌های ضمن خدمت سازمان جهاد کشاورزی استان‌ها نیز موظف به نوسازی دانش کارکنان سازمان هستند. در آخرین مرحله از این حلقه، کشاورزان آموزش دیده دانش نوین را به منظور افزایش بهره‌وری و کارایی در مزرعه به کار می‌گیرند (کاربرد دانش). نمودار زیر حلقه فرایند مدیریت دانش را در سازمان جهاد کشاورزی نشان می‌دهد.

استان ساحلی مازندران با دارا بودن اقلیمی مرطوب یکی از مهم‌ترین قطب‌های کشاورزی کشور به‌شمار می‌آید. بنابراین تسریع در فرآیند مدیریت دانش در سازمان جهاد کشاورزی این استان به یقین منجر به

می‌گیرند که از دانش به‌عنوان یک عامل کلیدی برای ارزش افزوده استفاده می‌کند. تقی زاده و همکاران (۱۳۸۹) مدیریت دانش را مفهومی میان رشته‌ای می‌دانند که تأکید آن بر دانش، آن را از دیگر رویکردهای مدیریتی متمایز می‌کند.

بخش کشاورزی از جمله بخش‌های مهم اقتصادی است که در عصر اقتصاد مبتنی بر دانش به فرصت مناسب و مهمی دست پیدا کرده است تا از طریق مدیریت دانش در درون خود به هدف‌ها و راهبردهایی که به‌منظور آن‌ها به‌وجود آمده‌اند، دست پیدا کند (شاکری و همکاران، ۱۳۸۹). بدین منظور و به جهت مدیریت مناسب دانش سازمانی، آگاهی از وضعیت مدیریت دانش در سازمان جهاد کشاورزی بسیار ضروری می‌باشد. در همین زمینه این تحقیق به دنبال ارائه چارچوبی برای بررسی فرایند مدیریت دانش در سازمان جهاد کشاورزی استان مازندران است که فرایند مدیریت دانش را در چهار زیر حوزه تولید، ذخیره و بازیابی، انتقال و تسهیم و کاربرد تعریف و این مراحل چهارگانه را در سازمان جهاد کشاورزی استان مازندران مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

سازمان جهاد کشاورزی از بخش‌های مختلفی شامل زراعت و باغبانی، دام و طیور، کرم ابریشم و زنبور عسل، شیلات و آبیان و جنگل و مرتع تشکیل شده است که به فعالیت‌های تحقیقاتی، آموزشی، ترویجی و اجرایی مشغولند. در این سازمان، مرکز تحقیقات به تولید دانش می‌پردازد (تولید دانش) و



نگاره ۱- مدل مفهومی فرآیند مدیریت دانش (شاکری و همکاران، ۱۳۸۹)

کارآفرینانه دانشجویان بودند و شاخص‌های برآزش مدل در وضع مناسب قرار دارند.

آزادی احمد آبادی و همکاران (۱۳۹۳)، به تاثیر ابزارهای فناوری اطلاعات بر اجرای مدیریت دانش در بانک تجارت پرداختند. نتایج به دست آمده نشان داد، میان ابزارهای فناوری اطلاعات در تولید و کسب دانش، ذخیره و پردازش، اشتراک و به کارگیری دانش، رابطه معناداری وجود دارد. همچنین استفاده از ابزارهای فناوری اطلاعات مانند اتوماسیون اداری، اینترنت، سامانه‌های نظام پیشنهادها، پست الکترونیکی و ویدئو کنفرانس و جز آن، در اجرای بهتر فرآیند مدیریت دانش موثر است.

کریمی و همکاران (۱۳۹۳)، به تحلیل نقش و تاثیر مدیریت دانش در شناسایی و تشخیص فرصت‌های کارآفرینانه در دانشگاه تهران پرداختند. نتایج تحقیق ایشان نشان داد، سه مولفه‌ی اصلی مدیریت دانش، به ترتیب، میزان تاثیر بر سازه اصلی مدیریت دانش، شامل تسهیم دانش، کسب دانش و کاربرد دانش است و مهم‌ترین مولفه‌های تشکیل‌دهنده تشخیص فرصت‌های کارآفرینانه به ترتیب، میزان تاثیر بر سازه اصلی تشخیص فرصت‌های کارآفرینانه، شامل فرصت‌های تقلیدی، فرصت‌های تجدیدی و فرصت‌های نوآورانه هستند. همچنین، مدیریت دانش بر شناسایی و تشخیص فرصت‌های کارآفرینانه در پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران تاثیر مثبت و معنادار دارد.

شعبانی و همکاران (۱۳۹۱)، در پژوهش خود به شناسایی، بررسی و رتبه‌بندی عامل‌های مؤثر بر پیاده‌سازی مدیریت دانش با استفاده از روش تاپسیس در دانشگاه علوم پزشکی شیراز پرداختند. نتیجه تحقیق ایشان نشان داد، عامل «تسهیم دانش» بیش‌ترین و عامل «حذف دانش» کم‌ترین تاثیر را در پیاده‌سازی مدیریت دانش دارد.

کی پانگ و همکاران (۲۰۱۳)، به ارائه مدلی برای بلوغ مدیریت دانش سازمان پرداختند. ایشان اظهار داشتند مدیریت دانش به طور رسمی مستلزم مدیریت منابع دانش به منظور تسهیل و دسترسی و استفاده

بهبود وضعیت تولید و درآمد کشاورزان در این استان خواهد شد. در این تحقیق نیز ضمن بررسی میزان به‌کارگیری فرآیند مدیریت در سازمان جهاد کشاورزی استان مازندران، با رتبه‌بندی مراحل چهارگانه این فرآیند از دیدگاه کارشناسان خبره، پیشنهادها برای لازم برای بهینه‌سازی فرآیند مدیریت دانش ارائه می‌شود.

موحدی و همکاران (۱۳۹۴)، به تحلیل مولفه‌های فناوری اطلاعات در مدیریت دانش کارکنان سازمان جهاد کشاورزی استان کرمانشاه پرداختند. در این زمینه به منظور بررسی مدیریت دانش از مدل هفت مرحله‌ای بکوویتز و ویلیام (یافتن، به‌کارگیری، یادگیری، تسهیم، ارزیابی، ایجاد و نگهداری، حذف) بهره گرفته شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که بین فناوری اطلاعات و مدیریت دانش همبستگی و ارتباط مثبت معنی‌داری وجود دارد. با توجه به نتیجه‌ی تحلیل مسیر مبنی بر وجود تاثیر مستقیم و غیر مستقیم بین همه‌ی مولفه‌های فناوری اطلاعات با مدیریت دانش می‌توان نتیجه گرفت که هر یک از مولفه‌های فناوری اطلاعات در مدیریت دانش تاثیر دارند. مهم‌ترین متغیرهای برونزای تاثیرگذار بر مدیریت دانش به ترتیب نحوه ذخیره و سپس نحوه تبدیل اطلاعات مشخص شدند.

نیکوکار و همکاران (۱۳۹۳)، به بررسی زیر ساخت‌های مدیریت دانش در یکی از دانشگاه‌های نیروهای مسلح پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد، به طور کلی زیر ساخت دانشگاه برای پیاده‌سازی مدیریت دانش مناسب بوده و فرهنگ سازمانی، تعهد مدیران ارشد، مشارکت کارکنان، کار گروهی، توانمندسازی کارکنان و الگوبرداری بالایی دارد و دانشگاه باید اهتمام بیشتری نسبت به آموزش کارکنان و سنجش عملکرد آنان داشته باشد.

شاهرخی و همکاران (۱۳۹۳)، نقش مؤلفه‌های دانش سه‌گانه بر نیت کارآفرینانه دانشجویان رشته‌های کشاورزی دانشگاه جیرفت را بررسی کردند. به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش مدل‌سازی معادله ساختاری استفاده شد. مدل‌سازی معادله ساختاری نشان داد که دانش عملی و دانش سازگاری تبیین‌کننده ۵۰ درصد از تغییرات پراکنش نیت

دوباره از دانش، با استفاده از اطلاعات پیشرفته فناوری است.

زواوی (۲۰۱۱)، در پژوهشی به بررسی عامل‌های بازدارنده در اشتراک دانش پرداخت. این عامل‌ها عبارت بودند از: کمبود خودکارآمدی که نشان‌دهنده عامل فردی در اشتراک دانش است؛ کمبود امکانات فناوری اطلاعاتی و ارتباطی که بیان‌گر عامل فنی است و کمبود تشویق سازمانی برای نشان دادن عامل سازمانی که بازدارنده از اشتراک دانش می‌شود. رابطه بین این عامل‌ها از طریق آزمون همبستگی مورد سنجش قرار گرفته است. هم‌چنین از تحلیل رگرسیون برای تعیین مؤثرترین عامل از بین عامل‌ها مورد بررسی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، رابطه منفی بین این سه عامل و رفتار اشتراک دانش با تشویق سازمانی که مؤثرترین عامل است، وجود دارد.

واشیت و همکاران (۲۰۱۰)، در پژوهشی به بررسی چگونگی درک محققان دانشگاه‌ها و مراکزهای تحقیقاتی هند از بازدارنده‌ها و تسهیلات مدیریت دانش پرداخته‌اند. بدین منظور گردآوری دانش، خلق دانش و انتظار دانش از سه جنبه فردی، اجتماعی - سازمانی و فنی مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌ها گویای آن بود، پژوهش‌گران بیش‌تر با جنبه‌های فردی و اجتماعی - سازمانی مدیریت دانش درگیر هستند تا جنبه فنی. افراد و تعامل آنان باعث خلق دانش شده و به جریان آن کمک می‌کند.

از دیگر بررسی‌های خارجی و داخلی دیگر در طول سال‌های اخیر در زمینه مدیریت دانش و نقش آن در تحول و کارایی سازمان‌ها می‌توان به تحقیقات میهمی و میهمی (۲۰۱۴) و رسولا و همکاران (۲۰۱۲) اشاره کرد که در نتایج بررسی‌های خود نشان دادند، مدیریت دانش تاثیر مثبتی بر سطح نوآوری و عملکرد سازمان - های مورد بررسی دارد. هم‌چنین تولایی و همکاران (۱۳۹۳)، به ارزیابی الگوی توسعه شبکه‌های دانش در هاب‌های پژوهشی صنعت نفت (شامل موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، پژوهشگاه صنعت نفت و دانشگاه صنعت نفت)، حسینی و اکبری (۱۳۹۳)، به ارزیابی الگوی سرآمدی مدیریت دانش سازمانی با رویکرد

مدل‌سازی تفسیری-ساختاری و رضایی ملک و رادفر (۱۳۹۲)، به ارزیابی مدلی برای اولویت‌دهی عامل‌های مدیریت دانش در بهبود عملکرد مدیریت ارتباط با مشتری در بانک سپه پرداختند.

روش‌شناسی

این پژوهش از نظر نوع، جزو تحقیقات کاربردی و از نظر روش جزو تحقیقات توصیفی-تحلیلی است و به لحاظ روش گردآوری داده‌های مورد نیاز از نوع میدانی می‌باشد. هم‌چنین از روش کتابخانه‌ای به منظور گردآوری پایه‌های نظری و ادبیات پژوهش استفاده شده است. ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق پرسش‌نامه بود که به روش مصاحبه با پاسخگویان انجام شد. پرسش‌نامه در زمینه‌ی چهارمرحله‌ی فرایند مدیریت دانش و بر پایه بیناب پنج گزینه‌ای لیکرت طراحی شده که روایی آن از نظر کارشناسان و پایایی آن با استفاده از ضریب تتای ترتیبی ($\Theta = 0.83$) تأیید شد. جامعه‌ی آماری، مدیران و کارشناسان سازمان جهادکشاورزی استان مازندران در بخش‌های مختلف شامل زراعت و باغبانی، دام و طیور و کرم ابریشم و زنبور عسل، شیلات و آبیان و جنگل و مرتع به شمار ۶۵ تن می‌باشد. در ابتدا با استفاده از آزمون کروسکال والیس میانگین رتبه‌ای چهار زیربخش اصلی سازمان مورد مقایسه قرار گرفت. سپس به منظور اولویت‌بندی مراحل چهارگانه مدیریت دانش از روش تاپسیس استفاده شد. این روش توسط هوانگ و یون در سال ۱۹۸۱ میلادی پیشنهاد شد و یکی از بهترین مدل‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه است که به اولویت‌بندی بر اساس شباهت به راه حل ایده آل (مطلوب) می‌پردازد. از این روش می‌توان برای رتبه‌بندی و مقایسه گزینه‌های مختلف و انتخاب بهترین گزینه و تعیین فاصله بین گزینه‌ها و گروه‌بندی آن‌ها استفاده نمود. روش تاپسیس بر این مفهوم استوار است که گزینه انتخابی، باید کم‌ترین فاصله را با راه حل مطلوب (ایده‌آل) مثبت (بهترین حالت ممکن) و بیش‌ترین فاصله را با راه حل ایده‌آل منفی (بدترین حالت ممکن) داشته باشد (قادری، ۱۳۹۳).

جدول ۱- نتایج آمار توصیفی مولفه‌های چهارگانه مدیریت دانش در سازمان جهاد کشاورزی استان (تعداد: ۶۵)

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین رتبه-ای	مولفه‌ها
۲	۰/۰۱۹	۰/۰۷	۳/۶۴	تولید دانش جدید بر اساس نیازها و شرایط خاص
۳	۰/۰۵۱	۰/۱۸	۳/۵۲	کسب دانش ذخیره شده در پایگاه داده‌ها و بومی‌سازی آنها
۱	۰/۰۰۶	۰/۰۲	۳/۰۹	گردآوری دانش بومی و کسب دانش تجربی بهره‌وران و مراجعہ کنندگان
۱	۰/۰۳۶	۰/۱۲	۳/۲۶	ذخیره‌سازی در پایگاه داده‌ها و امکان دسترسی همگان به دانش
۲	۰/۰۶۹	۰/۲۵	۳/۵۸	وجود افراد به روز و متخصص با اطلاعات فراوان
۱	۰/۰۱۸	۰/۰۴	۲/۱۸	از طریق پایگاه داده‌ها
۲	۰/۰۱۳	۰/۰۶	۴/۴۵	از طریق تماس مستقیم
۲	۰/۰۵۳	۰/۱۹	۳/۵۸	کاربرد دانش کسب شده و تولید شده به بارهای پی در پی
۱	۰/۰۰۹	۰/۰۳	۳/۱۴	توسعه گسترده کاربرد محصول یا خدمت با تلاش متخصصان

دانش تجربی بهره‌وران و مراجعہ کنندگان» و «وجود افراد به روز و متخصص با اطلاعات فراوان» به ترتیب دارای کم‌ترین و بیش‌ترین ضریب تغییرات ($CV=0/006$) و ($CV=0/069$) در بین تمامی مولفه‌های مدیریت دانش در سازمان جهاد کشاورزی استان بودند. (جدول ۱)

در مرحله‌ی بعد تحقیق، برای مقایسه‌ی میانگین رتبه-ای فرآیند مدیریت دانش در بین چهار بخش اصلی سازمان جهاد کشاورزی استان یعنی زراعت و باغبانی، دام و طیور و کرم ابریشم و زنبور عسل، شیلات و آبزیان و جنگل و مرتع از آزمون کروسکال والیس استفاده شد. با توجه به آماره کای اسکور حاصله ($\chi^2=9/40$) و سطح معناداری ($p=0/024$)، می‌توان نتیجه گرفت که میانگین فرآیند مدیریت دانش در بین چهار بخش اصلی سازمان جهاد کشاورزی استان یعنی زراعت و باغبانی، دام و طیور و کرم ابریشم و زنبور عسل، شیلات و آبزیان و جنگل و مرتع دارای تفاوت معنی‌داری است. سپس، برای مقایسه میانگین فرآیند مدیریت دانش دو به دوی زیر بخش‌های سازمان نیز از آزمون کروسکال والیس استفاده شد. به عبارت دیگر، بررسی گردید که فرآیند مدیریت دانش در هر زیر بخش با کدام بخش‌ها دارای تفاوت معنی‌دار است (جدول ۲).

با توجه به سطح معنی‌داری زیر $0/05$ ($sig<0/05$) می‌توان ادعا کرد که میانگین فرآیند مدیریت دانش در بخش دام و طیور، کرم ابریشم و زنبور عسل تنها با دو بخش زراعت و باغبانی و جنگل و مرتع، تفاوت

در این روش، ماتریس $n \times m$ که دارای m گزینه (هر موضوع مورد بررسی) و n شاخص (فراسنجه‌های عملکردی برای گزینه‌های تصمیم‌گیری) می‌باشد مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. از امتیازهای مهم این روش آن است که به‌گونه همزمان می‌توان از شاخص‌ها و معیارهای عینی و ذهنی استفاده کرد و معیارهای کمی و کیفی را باهم دخالت می‌دهد. همچنین خروجی آن می‌تواند ترتیب اولویت گزینه‌ها را مشخص کند و این اولویت را به صورت کمی بیان کند. (قادری، ۱۳۹۳)

یافته‌ها

جدول ۱ آمار توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار، ضریب تغییرات و خطای معیار میانگین مربوط به چهار بعد مدیریت دانش به تفکیک مولفه‌ها در سازمان جهاد کشاورزی استان مازندران را نشان می‌دهد. همان‌گونه که دیده می‌شود، بیش‌تر مولفه‌های مدیریت دانش در چهار سوبه تولید دانش، ذخیره و بازیابی دانش، انتقال و تسهیم دانش و کاربرد دانش دارای میانگینی بیش از میزان متوسط (عدد ۳ در بیناب ۵ گزینه‌ای لیکرت) هستند. بنابراین از دیدگاه کارشناسان نمونه دارای وضعیت متوسط تا خوب ارزیابی می‌شوند. تنها مولفه‌ی انتقال دانش از راه پایگاه داده‌ها از دیدگاه کارشناسان ضعیف ارزیابی شده است، زیرا دارای میانگینی کم‌تر از ۳ ($2/18$) است. همچنین، مولفه‌های «گردآوری دانش بومی و کسب

جدول ۲- تاثیر زیر بخش‌های کشاورزی بر هم در سازمان جهاد کشاورزی استان

سطح معنی‌داری	χ^2	میانگین رتبه	شمار	زیربخش	زیر بخش
۰/۰۰۷	۷/۳۲	۲۴/۵۳	۱۷	دام و طیور، کرم ابریشم و زنبور عسل	زراعت و باغبانی
۰/۰۰۳	۱۲/۳۷	۱۷/۰۴	۱۲	جنگل و مرتع	
۰/۱۳۱	۱/۵۶	۱۸/۶۰	۱۵	شیلات و آبزیان	
۰/۰۰۷	۷/۳۲	۱۵/۴۳	۲۱	زراعت و باغبانی	دام و طیور و کرم ابریشم و زنبور عسل
۰/۰۱۷	۵/۷۴	۱۱/۰۸	۱۲	جنگل و مرتع	
۰/۲۱۵	۱/۰۸	۱۲/۵۳	۱۵	شیلات و آبزیان	
۰/۱۳۱	۱/۵۶	۱۶/۹۸	۲۱	زراعت و باغبانی	شیلات و آبزیان
۰/۲۱۵	۱/۰۸	۱۷/۷۶	۱۷	دام و طیور، کرم ابریشم و زنبور عسل	
۰/۹۵۹	۰/۰۰۳	۱۳/۹۲	۱۲	جنگل و مرتع	
۰/۰۰۳	۱۲/۳۷	۱۸/۴۳	۲۱	زراعت و باغبانی	جنگل و مرتع
۰/۰۱۷	۵/۷۴	۲۰/۰۰	۱۷	دام و طیور، کرم ابریشم و زنبور عسل	
۰/۹۵۹	۰/۰۰۳	۱۴/۰۷	۱۵	شیلات و آبزیان	

معنی‌داری دارد. هم‌چنین تفاوت معنی‌داری در میانگین فرآیند مدیریت دانش بین دو بخش زراعت و باغبانی و جنگل و مرتع مشاهده شد. اما، فرآیند مدیریت دانش در بخش شیلات و آبزیان تفاوت معنی‌داری با دیگر بخش‌ها ندارد.

در آخرین مرحله‌ی تحقیق، هر کدام از مولفه‌ها و مرحله‌های چهارگانه فرآیند مدیریت دانش با استفاده از روش TOPSIS رتبه‌بندی شده‌اند. در جدول ۳، فاصله از ایده‌آل (مثبت و منفی) و ضریب نزدیکی هر کدام از عامل‌ها نشان داده شده است. در روش تاپسیس مولفه‌ها در دو نقطه‌ی مطلوب منفی و مثبت ارزیابی می‌شوند تا مشخص شود که از نقطه‌ای که باید باشند چه میزان فاصله دارند. بنابراین می‌توان ادعا کرد که اگر فاصله از مطلوب مثبت کم‌تر باشد یعنی سازمان در آن بخش فعالیت مطلوب داشته و اگر فاصله از مطلوب منفی کم‌تر باشد یعنی سازمان در آن بخش در حد وضعیت مطلوب خود نمی‌باشد. در مجموع هر چه ضریب نزدیکی بزرگ‌تر باشد نشان‌دهنده وضعیت بهتر آن مولفه نسبت به سایر مولفه‌هاست (جدول ۳).

همان‌گونه که جدول ۳ نشان می‌دهد مولفه تولید دانش دارای بالاترین ضریب نزدیکی به مطلوب می‌باشد. بنابراین، رتبه نخست را در میان مولفه‌های مدیریت دانش به خود اختصاص می‌دهد. پس از آن به ترتیب مراحل ذخیره و بازیابی دانش، انتقال و تسهیم دانش و در نهایت کاربرد دانش در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. به عبارتی، هر چند سازمان جهاد کشاورزی استان مازندران در بخش تحقیق با موفقیت به تولید

دانش پرداخته است ولی در بخش ترویج و اشتراک گذاری اطلاعات و انتقال دانش به کشاورزان به اندازه تولید دانش موفق نبوده است. نتایج جدول ۳ به روشنی نشان می‌دهد که در فرآیند مدیریت دانش هرچه سازمان جهاد کشاورزی از حلقه تولید دانش به سمت کاربرد آن پیش رفته است این فرآیند ضعیف‌تر عمل کرده است، چرا که ضریب نزدیکی به مطلوب کاهش یافته است.

جدول ۴، نیز رتبه‌بندی مولفه‌های مراحل چهارگانه فرآیند مدیریت دانش را در سازمان جهاد کشاورزی استان مازندران با استفاده از روش تاپسیس از حیث اهمیت آن‌ها نشان می‌دهد.

جدول ۳- موقعیت مولفه‌های فرآیند مدیریت دانش کشاورزی

مؤلفه	بیش‌تر از مطلوب	کم‌تر از مطلوب	ضریب نزدیکی به مطلوب
تولید دانش	۰/۱۳۸۰۴	۰/۲۸۶۷۹	۰/۶۷۵۰۸
ذخیره و بازیابی دانش	۰/۱۸۸۱۷	۰/۲۱۸۷۹	۰/۵۳۷۶۱
انتقال و تسهیم دانش	۰/۲۹۸۴۵	۰/۰۹۱۴۹	۰/۲۳۴۶۳
کاربرد دانش	۰/۲۸۹۵۸	۰/۰۵۳۰۶	۰/۱۵۸۴۷

جدول ۴- موقعیت مولفه‌های فرآیند مدیریت دانش کشاورزی به تفکیک عامل‌ها

مولفه	عامل	بیش‌تر از مطلوب	کم‌تر از مطلوب	ضریب نزدیکی به مطلوب
	تولید دانش جدید بر اساس نیازها و شرایط خاص	۰/۱۲۴۷۱	۰/۰۸۴۱۲	۰/۴۰۳
تولید دانش	کسب دانش ذخیره شده در پایگاه داده‌ها و بومی‌سازی آنها	۰/۱۵۲۱۴	۰/۰۱۶۷۲	۰/۰۹۹
	گردآوری دانش بومی و کسب دانش تجربی بهره‌وران و مراجع کنندگان	۰/۲۳۸۱۰	۰/۰۰۹۱۴	۰/۰۳۶
ذخیره و بازیابی دانش	ذخیره‌سازی در پایگاه داده‌ها و امکان دسترسی همگان به دانش	۰/۱۰۱۲۷	۰/۷۵۹۱۲	۰/۸۸۲
	وجود افراد به روز و متخصص با اطلاعات فراوان	۰/۰۱۲۸۶	۰/۱۹۵۱۲	۰/۹۳۸
انتقال و تسهیم دانش	از طریق پایگاه داده‌ها	۰/۰۱۴۹۱	۰/۰۸۳۹۱	۰/۸۴۹
	از طریق تماس مستقیم	۰/۱۰۲۱۳	۰/۰۷۳۹۱	۰/۴۱۹
کاربرد دانش	کاربرد دانش کسب شده و تولید شده به بارهای پی در پی	۰/۱۴۲۰۸	۰/۸۴۲۱۰	۰/۸۶۶
	توسعه گسترده کاربرد محصول یا خدمت با تلاش متخصصان	۰/۳۲۱۴۵	۰/۷۴۲۱۳	۰/۶۹۷

بحث و نتیجه‌گیری

مدیریت دانش به عنوان ابزاری به مدیران یاری می‌رساند تا دانش برون سازمانی را کسب و دانش درون سازمانی را ذخیره، یکپارچه، تسهیم و در روندهای کاری به کار گیرند؛ دانشی که طی سال‌ها فعالیت سازمان انباشته شده است و خطر از دست رفتن آن به عنوان سرمایه ای ناملموس وجود دارد. تعدادی از محققان در این زمینه نظریه‌های متفاوتی را بیان کرده‌اند اما تاکنون رویه مشخصی برای پیاده‌سازی مدیریت دانش کشاورزی در سازمان جهاد کشاورزی ارایه نشده است. هرچند تعداد معدودی روش وجود دارد اما هیچ یک جامع و کامل به نظر نمی‌رسند. از این‌رو در این نوشتار سعی شد با بررسی نظریه‌های صاحب‌نظران در سازمان جهاد کشاورزی استان مازندران، فرآیند مدیریت دانش محور در زیر بخش‌های کشاورزی استان بررسی و مولفه‌های چهارگانه و مراحل هر یک به ترتیب با استفاده از روش تاپسیس رتبه‌بندی شوند. یافته‌های پژوهش در زمینه تولید دانش نشان داد، براساس نظر کارشناسان نمونه، سازمان جهاد کشاورزی در فعالیت‌های مربوطه در این زمینه متوسط تا خوب عمل کرده است هرچند این سازمان نیازمند تلاش و زیرسازی بهتری در حوزه تولید دانش است و بنابراین فرآیندهای دانش‌گویی

تجربی بهره‌وران و مراجع کنندگان»، در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرد. هم‌چنین، با توجه به نتایج به‌دست آمده از رتبه‌بندی مولفه‌های ذخیره و بازیابی دانش توسط روش تاپسیس و با توجه فاصله منفی مولفه‌ها از وضعیت مطلوب چنین برآیند می‌شود که سازمان جهاد کشاورزی در بخش تحقیق و ترویج در موضوع ذخیره و بازیابی دانش ضعیف عمل کرده است. نتایج به‌دست آمده از رتبه‌بندی مولفه‌های انتقال و تسهیم دانش نیز نشان می‌دهد، اختلاف کمی بین وضعیت کم‌تر از مطلوب مولفه‌ها و وضعیت بیش‌تر از مطلوب آن‌ها وجود دارد. با این حال انتقال دانش تولیدی در بخش تحقیق و ترویج به کشاورزان از طریق پایگاه داده‌ها (نشریه، کتاب، فیلم و به‌ویژه شبکه مجازی تلگرام) ضریب نزدیکی به مطلوب بالاتری از تماس مستقیم کارشناسان و مروجان سازمان جهاد کشاورزی (مدرسه در مزرعه کشاورز و طرح‌های تحقیقی و ترویجی) داشته است. در نهایت نتایج به‌دست آمده از رتبه‌بندی مولفه‌های کاربرد دانش نشان می‌دهد، با پیشی گرفتن وضعیت کم‌تر از مطلوب مولفه‌ها نسبت به بیش‌تر از مطلوب آنها، سازمان جهاد کشاورزی در موضوع کاربرد دانش ضعیف عمل کرده است.

این زمینه، تلاش کند تا دانش کسب شده را به فعلیت برساند. این امر محقق نمی‌شود مگر با صرف توجه و سرمایه لازم برای ذخیره و هم‌چنین انتقال درست دانش به بخش کشاورزی به طوری که کشاورزان به عنوان کاربران اصلی دانش جدید قادر به استفاده و به کارگیری آن در فعالیتهای تولیدی خود باشند. کارایی و بهره‌وری بالا در بخش کشاورزی نیز تنها با داشتن ماشین، سرمایه و نیروی انسانی زیاد حاصل نمی‌شود بلکه رسیدن به کارایی و بهره‌وری مستلزم بهره‌گیری از دانش سازمانی است.

با توجه به نتایج تحقیق و فاصله زیاد بین وضعیت موجود تا مطلوب در بین مولفه‌های مدیریت دانش کشاورزی که نشان‌دهنده وضعیت بهتر تولید دانش نسبت به ذخیره، انتقال و به‌ویژه کاربرد دانش در سازمان جهاد کشاورزی استان مازندران است، اتخاذ تدابیری برای درونی کردن سودمندی‌های ناشی از تولید دانش در سازمان و کل بخش کشاورزی استان ضروری به نظر می‌رسد. در این زمینه پیشنهاد می‌شود:

- با توجه به ضریب نزدیکی پایین‌تر "ذخیره‌سازی در پایگاه داده‌ها و امکان دسترسی همگان به دانش"، نظام اتوماسیون یکپارچه و کتابخانه‌های دیجیتال در جهت تقویت ذخیره اطلاعات و دانش در سازمان و ارزیابی عملکرد بر اساس میزان تسهیم دانش ایجاد شود.
- با توجه به ضریب نزدیکی "وجود افراد به روز و متخصص با اطلاعات فراوان"، افراد متخصص در حیطه‌ی اجرایی و بهره‌گیری از تجارب افراد با سابقه‌ی بالا در جهت حفظ تجربه‌ی آنها در سازمان استخدام شوند.
- نظر به ضریب نزدیکی به مطلوب بالاتر انتقال دانش از طریق پایگاه داده‌ها، دسترسی کاربران (کارکنان سازمان، دانشجویان کشاورزی، محققان و کشاورزان) به دانش سازمان از طریق گسترش فعالیت‌های IT در سازمان مانند تاسیس گروه‌ها و کانال‌های تلگرامی به منظور ایجاد اتاق فکر برای بررسی مسائل و تنگناهای جدید بخش کشاورزی آسان شود.

آن است که خبرگان سازمان اهمیت به مراتب بیش‌تری را برای خلق دانش در درون سازمان نسبت به کسب آن از بیرون سازمان قائل هستند. هم‌چنین نتایج تحقیق نشان داد، تفاوت معنی‌داری در میانگین فرآیند مدیریت دانش بین زیربخش‌های کشاورزی استان (زراعت و باغبانی، دام و طیور، کرم ابریشم و زنبور عسل و جنگل و مرتع) به جز بخش شیلات و آبیان وجود دارد که نیازمند بررسی علل وجود چنین تفاوت معنی‌داری در زیر بخش‌های مختلف هستیم چرا که دانش مورد استفاده در سازمان‌های اجرایی از لحاظ راهبردی دارای اهمیت بالایی است. به‌ویژه به دلیل شرایط خاص کشور از لحاظ دسترسی به دانش سازمان‌های اجرایی خارجی و وجود دیوانسالاری‌های بی مورد برای دسترسی به دانش سازمان‌های اجرایی داخل کشور، به‌طور کلی کسب دانش از دیگر سازمان‌ها با مشکلات بسیاری روبرو است و در صورت امکان نیز هزینه بالایی چه از نظر زمانی و چه مالی در پی خواهد داشت. با توجه به موارد ذکر شده، این امر شایان توجه است که خبرگان در سازمان جهاد کشاورزی گرایش بیش‌تری به خلق دانش در داخل سازمان با تکیه بر متخصصان داخلی، نسبت به کسب آن از بیرون سازمان داشته باشند. اما متأسفانه با توجه به ضریب نزدیکی به مطلوب مولفه‌ها، هر چه سازمان جهاد کشاورزی از حوزه کسب و تولید دانش به سمت کاربرد آن پیش رفته است این فرآیند ضعیف‌تر عمل کرده است. به طوری که ذخیره و بازیابی دانش، انتقال و تسهیم دانش و در نهایت کاربرد دانش به ترتیب در اولویت‌های بعدی قرار گرفته‌اند. در این ارتباط باید توجه داشت که در اقتصاد دانشی امروز دیگر جایی برای سازمان‌های دیوانسالار نیست و ساختار سازمان‌ها باید برابر با تغییرهای به وجود آمده به یک ساختار حامی دانش و مدیریت دانش و ایجاد هرچه بیش‌تر نوآوری تبدیل شود که قادر به ایجاد ارزش افزوده از طریق دانش کسب شده باشند. در این زمینه سازمان‌هایی موفق هستند که دانش را در سازمان به عنوان اصلی‌ترین دارائی به‌شمار آورند. سازمان جهاد کشاورزی نیز باید برای تبدیل شدن به یک سازمان دانش آفرین و کسب موفقیت هرچه بیش‌تر و بهتر در

- کاربران (کارکنان سازمان، دانشجویان کشاورزی، محققان و کشاورزان) برای استفاده بهتر و کاراتر از دانش موجود یا جدید خلق شده در سازمان در قالب برگزاری همایش‌های کاربردی، ویدئو کنفرانس یا اجرای طرح‌هایی مانند مدرسه در مزرعه کشاورز (Farmer Field School یا FFS) آموزش داده شوند.

منبع‌ها

- آدینه قهرمانی، ع.؛ هاشم پور، ل. و عطاپور، ه. (۱۳۹۰). مطالعه وضعیت زیر ساخت‌های مدیریت دانش در دانشگاه تبریز از دیدگاه اعضاء هیات علمی، نشریه تحقیقات کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاهی، سال چهل و پنجم، شماره ۵۷، ص ۶۳-۸۵.
- آزادی احمدآبادی، ق.؛ آزادی احمد آبادی، ز. و آزادی احمد آبادی، ا. (۱۳۹۳). تاثیر ابزارهای فناوری اطلاعات بر اجرای مدیریت دانش در بانک تجارت، فصلنامه مطالعات دانش شناسی، سال اول، شماره ۱۰. تقی زاده، ه.؛ سلطانی فسقندی، غ. و مهدی لو، ر. (۱۳۸۹). بررسی میزان بکارگیری فرایند مدیریت دانش در یک سازمان خدماتی (مطالعه موردی)، فراسوی مدیریت، سال سوم، شماره ۱۲، ص ۳۳-۴۸.
- تولایی، ر.؛ بامداد صوفی، ج.؛ رضائیان، ع. و صالحی قدیانی، ج. (۱۳۹۳). ارائه الگوی توسعه شبکه‌های دانش در هاب‌های پژوهش و فناوری صنعت نفت با استفاده از الگوی جهانی، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات راهبردی جهانی شدن، سال چهارم، شماره ۱۰، ص ۵۵-۷۷.
- جلالی حقیقت، م. و فدایی، م. (۱۳۹۴). تحلیلی بر پیاده‌سازی مدیریت دانش بنیان در سازمانهای غیردولتی ایران، هشتمین کنفرانس ملی و دومین کنفرانس بین المللی مدیریت دانش، تهران. کد COI مقاله IKMC08_264:
- حسینی، م. و اکبری، م. (۱۳۹۳). طراحی الگوی سرآمدی مدیریت دانش سازمانی با رویکردسازی تفسیری - ساختاری، مدیریت فناوری اطلاعات، دوره ۶، شماره ۳، ص ۳۷۴-۳۵۱.
- رضایی ملک، ن. و رادفر، ر. (۱۳۹۲). مدلی برای الویت دهی عوامل مدیریت دانش در بهبود عملکرد مدیریت ارتباط با مشتری (مطالعه موردی بانک سپه)، مدیریت فناوری اطلاعات، دوره ۵، شماره ۳، ص ۸۲-۶۳.
- شاکری ف،؛ شاکری، م. و میرغفوری، ح. (۱۳۸۹). فرایند مدیریت دانش تخصصی - کاربردی در حلقه ترویج و بهره‌برداران (مطالعه موردی: بخش کشاورزی استان یزد)، نشریه اقتصاد و توسعه کشاورزی، ج ۲۴، شماره ۴، زمستان.
- شاهرخی ساردو، ص.؛ پدرام، پ.؛ ظریفیان، ش. و فکرت، ف. (۱۳۹۳). نقش مؤلفه‌های دانش سه‌گانه بر نیت کارآفرینانه دانشجویان رشته‌های کشاورزی دانشگاه جیرفت، فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، دوره ۶، شماره ۳۱، صفحه ۹۴-۱۰۶.
- شعبانی، ا.؛ محمدی استانی، م. و فروگذار، ح. (۱۳۹۱). شناسایی، بررسی و رتبه‌بندی عوامل موثر بر پیاده‌سازی مدیریت دانش با استفاده از تکنیک Topsis (مطالعه موردی: دانشگاه علوم پزشکی شیراز)، مدیریت اطلاعات سلامت، دوره نهم، شماره سوم.
- قادری، ا. (۱۳۹۳). تصمیم‌گیری چند معیاره تاپسیس، نشریه تحلیلی کاربردی راهبرد، مرکز مطالعات راهبردی و آموزش وزارت کشور. شماره ۲۳، ۲۶ صفحه.
- قربانی، ص. (۱۳۸۸). چستی مدیریت دانش، مجله کار و جامعه، شماره ۱۱۶ و ۱۱۷، ص ۴۸-۵۶.
- کریمی، آ.؛ احمدپورداریانی، م.؛ باقرزاده لاکانی، ف. و عبدلی محمدآبادی، ط. (۱۳۹۳). تحلیل نقش و اثر مدیریت دانش در شناسایی و تشخیص فرصت‌های کارآفرینانه در دانشگاه تهران، مدیریت فرهنگ سازمانی، دوره ۱۲، شماره ۳۰، ص ۵۲۹-۵۵۰.

موحدی، ر.؛ حمزه‌ای ف.؛ میرک زاده، ع. و نادری، ن. (۱۳۹۴). نقش مولفه‌های فناوری اطلاعات بر مدیریت دانش کارکنان سازمان جهاد کشاورزی استان کرمانشاه، فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، شماره ۳۴، صفحه ۲۷-۱۶.

نیکوکار، غ.؛ عسگری، ن.؛ غلامی، م. و رحیمی، ا. (۱۳۹۳). نقش سرمایه‌های فکری در تسهیل اقدامات مدیریت دانش، مدیریت دولتی، دوره ۶، شماره ۲، ص ۴۱۸-۴۰۱.

نیکوکار، غ.؛ سلطانی، م.؛ پاشایی و هولاسو، ا. (۱۳۹۳). بررسی زیر ساخت‌های مدیریت دانش در یکی از دانشگاه‌های نیروهای مسلح، مدیریت فناوری اطلاعات، دوره ۶؛ شماره ۳، ص ۵۲۸-۵۰۵.

وظیفه دوست، ح.؛ فروغ نژاد، ح. و خوشنود، م. (۱۳۹۳). تاثیر مدیریت دانش استراتژیک بر نوآوری و عملکرد شرکت‌های کارگزاری بررسی اوراق بهاردار تهران، فصلنامه علمی-پژوهشی دانش حسابداری و حسابرس مدیریت، سال سوم، شماره نهم.

Gupta, A. K. & Garindarajan, V. (2000). Knowledge Management Social Dimension: Lesson from Nucor Steel. *Sloan Management Review*, 42 (1), PP. 71-80.

Hu, M. L. M., Horng, J. S., & Sun, Y. H. C. (2009). Hospitality Teams: Knowledge Sharing and Service Innovation Performance. *Tourism Management*, 30, PP. 41-50.

Lopez, S. Montes, P. Jose, M. Vazquez, O. & Camilo, J. (2009). In Information Technology as An Enabler of Knowledge Management: An Empirical Analysis. *Knowledge Management and Organizational Learning. Annals of Information Systems*, 4, PP. 111-129.

Meihami, B. Meihami, H. (2014). Knowledge Management A Way to Gain A Competitive Advantage in Firms (Evidence of Manufacturing Companies), *International Letters of Social and Humanistic Sciences*, 3, PP. 80-91.

Rasula, J. Bosilj Vuksic, V. & Stemberger, M. I. (2012). The Impact of Knowledge Management on Organizational Performance, *Economic and Business Review*, Vol. 14, No. 2, PP. 147-168.

Salo, N. (2009). The Applications of Knowledge Management Sustainability for Leadership in An Organization: An Exploration and Analysis Leadership Theories and Knowledge Management Practices in Bangwita Flores. Indonesia. *Journal of NTT Studies*. 1 (2), PP. 95-135.

Tissayakorn, K. Akagi, F. & Song, Y. (2013). A Model of Organization Knowledge Management Maturity, *International Journal of Bioscience, Biochemistry and Bioinformatics*. Vol. 3, No. 6.

Turban, F. Aronson, J. E. & Liang, T. (2007). *Decision Support Systems And Intelligent Systems*, Prentice-Hall of India, New Delhi, Seventh Edition. (with contributions by Richard V. McCarthy).

Vashita, R., Kumar, R., & Chandra, A. (2010). Barriers and Facilitators to Knowledge Management: Evidences from Selected Indian Universities. *The Journal of knowledge management*, 8 (4). PP. 7-24.

Zawawai, A. (2011). The Study of Barriers Factors in Knowledge Sharing: A Case Study in Public University. *Management Science and Engineering*, 5 (1). PP. 59-70.

Agricultural Knowledge Management Component Stance Analysis in Mazandaran Agricultural Organization, Iran

Y. Feizabadi¹ and N. Moulayi²

1- Assistant Professor, Department of Agricultural Economics,
Qaemshahr Branch, Islamic Azad University, Qaemshahr, Iran.

2- Msc graduate, Department of Agricultural Management, Islamic
Azad University, Qaemshahr Branch, Qaemshahr, Iran.

Abstract

Organizations should act around the axis of science and knowledge in order to work efficiently. Knowledge is considered as a source of organizations' survival and new knowledge is prerequisite for organization's success at all levels. The current research aims to examine the status of agricultural knowledge management process and to prioritize its elements (Knowledge Creation, Knowledge Storage, Knowledge Transfer and Knowledge Application) in the Agricultural Organization of Mazandaran province. This is an applied research in terms of type and a descriptive-analytic one in terms of goal. Statistical population consisted of all managers and experts of Agricultural Organization of Mazandarn (65) in subsectors of agriculture including "agronomy and horticulture", "livestock, poultry, sericulture and apiculture", "fisheries and aquaculture" and "forest and grassland". First, statistics related to agricultural knowledge management elements were gathered using a likert 5 scale questionnaire and then, the state of these elements in different subsectors was analyzed by Kruskal-Wallis test. The results show that there is a significant difference in agricultural knowledge management process between the subsectors of "agronomy and horticulture", "livestock, poultry, sericulture and apiculture" and "forest and grassland". However, there is no significant difference in knowledge management process between "Fisheries and aquaculture" and other subsectors. Finally, TOPSIS technique was used in order to prioritize the components of knowledge management. The results showed that knowledge management process gets weaker as the Agricultural Organization moves from knowledge creation towards knowledge application. So, some suggestions have been made to internalize the benefits of knowledge creation within the Agricultural Organization and agricultural sector in Mazandaran province.

Index terms: Knowledge management, knowledge creation, knowledge storage, knowledge transfer, knowledge application.

Corresponding Author: Y. Feizabadi

Email: yaser.feizabadi@qaemiau.ac.ir

Received: 26/03/2017; **Accepted:** 27/02/2018